

معاون دوم عبدالله عبد الله در گفت وگو با «شرق»:

ازایران برای مبارزه باداعش کمک خواسته‌ایم



فریبا پژوه

محمد محقق از چهره‌های مطرح جهادی در افغانستان است که پس از سقوط طالبان این کشور را ترک نکرد و به یکی از فرماندهان اصلی مقاومت علیه طالبان در افغانستان تبدیل شد. او متولد ولایت بلخ در شمال افغانستان و سال‌ها در حوزه علمیه قم در ایران تحصیل کرده است.

هرچند آق‌ای محقق خود چهار بار ازدواج کرده است، اما می‌گوید مخالف حضور زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی نیست و به‌عنوان یکی از مسئولان حکومت وحدت ملی، نسبت به حضور زنان در اجتماع متعهد است. معاون دوم رئیس هیأت اجرایی افغانستان، داعش را یکی از حلقه‌های زنجیره‌ای می‌داند که توسط دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی علیه اسلام و ملت‌های مسلمان ساخته شده و بر این باور است که مردم افغانستان به داعش فرصت نمی‌دهند تا جای پایی در افغانستان داشته باشد. محقق می‌گوید کابل همه جهانپسان را به مبارزه امنیتی و نظامی با تروریسم و تکفیری های داعش دعوت کرده است و ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست.

روابط ایران و افغانستان در زمان حکومت «حامد کرزی» در بهترین سطح خود قرار داشت. آقای «اشرف غنی» جانشین او، پس از رسیدن به قدرت چند بار سفرش به تهران را به تعویق انداخت. با توجه به همسایگی دو کشور و اینکه ایران در سه حلقه از پنج حلقه سیاست خارجی افغانستان قرار دارد، امروز شما مناسبات بین دو کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ مناسبات هر دو کشور ایران و افغانستان بر اساس ضرورت‌ها و مشترکات فراوان دینی، فرهنگی، تاریخی و قومی استوار است. این مناسبات به هیچ‌وجه گسستنی نبوده و اختیاری هم نیست؛ چراکه جغرافیا قابل تغییر نیست. ما کشور‌های همسایه هستیم و مردمان هر دو کشور اشتراکات زیادی دارند. این در اختیار کسی نیست که بتواند مناسبات را به‌هم بزند. اما حکومت‌های متفاوت در هر کشور روش کاری خاص خود را دارند. آقای کرزی مناسبات خوبی با ایران داشت، همان‌طور که در اوایل کار، با آمریکایی‌ها هم روابط بسیار خوبی داشت. در آن زمان آمریکا به افغانستان کمک می‌کرد و این در حالی بود که روابط ایران و آمریکا در آن زمان بسیار خراب‌تر از حالا بود.

کرزی همیشه سعی می‌کرد که در روابط دو کشور موازنه را در مرحله دیپلماسی و سخن حفظ کند اما او در بسیاری از مسائل به‌طور عملی و زیربنایی وارد نشد. او از مذاکرات جدی با ایران طفره رفت و با مهارت خوبی که داشت توازن در مناسبات دو کشور را حفظ کرد و در عین حال وارد مسائل بنیادی با ایران نشد. اما رئیس‌جمهور فعلی روش کاری خاص خود را دارد. به نظر من در این مرحله مناسبات افغانستان و ایران از مرحله حرف و دیپلماسی و ظاهرسازی عبور کرده است و به یک مناسبات عملی در عرصه اقتصاد و راه و ترابری، مبادلات تجاری، مبارزه با مواد مخدر، آب و امنیت رسیده است. در حکومت فعلی ما که حکومت وحدت ملی است هم محمد اشرف‌غنی، رئیس‌جمهور محترم و هم جناب دکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه و هیات رهبری کشور به مناسبات با ایران باور دارند و احتمالا کمیته‌های شش‌گانه کاری که به منظور تعریفی از این مناسبات و گسترش، تعمیق و شتاب این مذاکرات وجود دارد به‌زودی آغاز به‌کار می‌کنند. در چند روز آینده آقای رحمانی‌فصلی، وزیر کشور ایران به افغانستان سفر خواهد کرد و کمیته اقتصادی همراه ایشان نیز به افغانستان سفر می‌کند. کمیته‌های کاری ذیربط افغانستان نیز برای این منظور آمادگی دارند.

یکی از مسائل مهم بین دو کشور ایران و افغانستان مسئله مهاجران افغان در ایران است. آیا شما در سفر خود به تهران درباره وضعیت مهاجران افغانستان مذاکراتی با مقامات ایرانی داشته‌اید؟

من در سفر پیشین خود به تهران تفاهم‌نامه‌هایی درباره حضور قانونی و غیرقانونی مهاجران در ایران و بررسی وضعیت آموزش مهاجران افغان در ایران امضا کردم. امروز بسیاری از موارد آن عملی شده است. تنها در یک مورد پس از اینکه طبق دستور رهبر انقلاب قرار شد که فرزندان همه مهاجران بتوانند از حق آموزش برخوردار شوند، مهلت پنج روزه برای ثبت‌نام آنها تعیین شد ولی من در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور محترم ایران، از ایشان خواستم که این ضرب‌الاجل برداشته شود و فرصتی بدهند تا مهاجران افغانستانی با خیال راحت فرزندان خود را در مدرسه ثبت‌نام کنند. همچنین در رابطه با تخفیف شهریه دانشجویان و سایر مسائل صحبت‌هایی با جناب دکتر ولایتی کرده‌ایم.

«نظرسنجی تازه‌ای در افغانستان که توسط نهاد آ‌ئی‌آر انجام شده و توسط تلویزیون طلوع منتشر شده است، نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان از عملکرد دولت وحدت ملی به رهبری اشرف‌غنی راضی هستند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد نوعی احساس ناامیدی در میان مردم تعمیق یافته است. با این وضعیت به نظر شما دولت تا چه حد در اجرای وعده‌های خود موفق بوده است؟ من نظرسنجی تلویزیون طلوع را دقیق نمی‌دانم. به نظر من کارهای این رسانه بر واقعیت و عدالت مبتنی نیست، اما به‌هر حال برخی ناراضیانی‌ها از عملکرد حکومت وحدت ملی در بین مردم وجود دارد. ما از مردم می‌خواهیم که به مسئولان حکومت وحدت ملی فرصت بدهند تا قامت راست کنند. فرصت بدهند تا دولت بتواند پروژه‌هایی را که در دست کار دارد، به نتیجه برساند. به ثمر رسیدن همه وعده‌های انتخاباتی به زمان بیشتری نیاز دارد.

اولین مسئله مهم برای مردم در افغانستان بهبود وضعیت معیشت و اقتصاد آنهاست. بسیاری از مردم برای حل مسائل اقتصادی به مهاجرت روی آورده‌اند و از طرق مختلف به ایران می‌آیند. با این شرایط، به نظر شما آیا در ماه‌های آینده وضعیت اقتصادی در افغانستان بهتر خواهد شد؟ امیدوار هستم، انشاءالله بهتر خواهد شد.

گفته می‌شود رهبران حکومت وحدت ملی اختلاف نظرهایی در اداره امور با یکدیگر دارند. آیا فکر می‌کنید این اختلاف نظرهای مشهود امرو بران حکومت وحدت ملی نقطه پایانی خواهد داشت؟ یک مسئله، اختلاف بین سران حکومت است که من تا به حال به شکل مشهود چیزی ندیده‌ام. درباره ناراضیانی مردم نیز پیش‌تر توضیح دادم.

افغانستان سال‌هاست با حضور و فعالیت طالبان دست‌به‌گریبان است. در چند هفته گذشته و پس از اعلام خبر رسمی مرگ رهبر این گروه تروریستی، اختلافاتی در میان شورای رهبری طالبان به وجود آمد. با توجه به انفجارهای اخیر در کابل که توسط طالبان انجام شده است از یک سو و بیعت «ملاختر منصور»، رهبر جدید طالبان ب‌با رهبر گروه القاعده و پیام صوتی «ایمن الظواهری» خطاب به او از سوی دیگر، امروز شما وضعیت طالبان را در افغانستان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

طالبان اگر به خودشان متکی باشند و به کسی متکی نباشند، وضعیتی ندارند. جماعتی که دو سال بعد از مرگ رهبر خود از مرگ او خبردار می‌شوند، پیداست که شیوازه کارشان از هم پاشیده است. این افراد دیگری هستند که طالبان را هدایت می‌کنند و به آنها می‌گویند بمب‌درازی را زنده باشند. مشهور است که پرسیده بودند که فلان شهردار – شاراول – زنده است یا



عکس: انیر چرچیری، شرق

مرده. یکی گفته بود زنده است و دیگری گفته بود، مرده است. فرد دیگری گفته بود بهتر است از پاکستان سؤال کنیم که شهردار شهر مرده یا زنده است. حالا در مورد طالبان هم وضع به همین منوال است. مرده و زنده طالبان به دست دیگران است. آنها به خودی خود وضع خوبی ندارند اما قدرت‌هایی هستند که برای آنها خلیفه و امیرالمومنین تعیین می‌کنند و بیعت می‌گیرند و اعلام جهاد می‌کنند.

پس از تشکیل حکومت وحدت ملی، سیاست خارجی افغانستان نسبت به کشورهای همسایه چرخش‌هایی داشته و روابط افغانستان با پاکستان گسترش یافته است. رئیس‌جمهور غنی برای بهبود روابط با پاکستان سرمایه‌گذاری و تلاش فراوانی کرد. با توجه به افزایش حملات طالبان به شهرهای مختلف در افغانستان و به‌ویژه پایتخت و حمایت دست‌کم بخشی از دستگاه امنیتی و نظامی پاکستان از طالبان، به نظر شما این تغییر رویکرد سیاست خارجی افغانستان، تا چه حد تأمین‌کننده منافع ملی افغانستان بوده است؟

ما از وقوع برخی جزرومدها در روابط خود نگران هستیم و باید در روابط خود با پاکستان از تجربیات گذشته درس بگیریم. هر که ناموخت از گذشت روزگار، نیز ناموزد از هیچ آموزگار…

هرچند برخی تغییرات در روابط کشور‌ها با تغییر حکومت‌ها به وجود می‌آید اما سرانجام افغانستان، افغانستان است و پاکستان، پاکستان و تاریخچه مناسبات هر دو کشور به‌طور سنتی با یکدیگر موجود است. فکر می‌کنم این بار هم مناسبات دو کشور به همان جایگاهی باز می‌گردد که بیشتر در تاریخ بوده است. البته ما سعی می‌کنیم با حکومت و دولتی دشمنی نداشته باشیم ولی نمی‌خواهیم و اجازه نمی‌دهیم که کسی برای حکومت و دولت تصمیم بگیرد و امیرالمؤمنین تعیین کند یا به ما بگوید که ما با کدام کشور رابطه داشته باشیم و با کدام یک رابطه نداشته باشیم.

دور نخست مذاکرات صلح در افغانستان میان حکومت وحدت ملی و طالبان آغاز شده بود و قرار بود به‌زودی دور دوم مذاکرات صلح نیز برگزار شود و بسیاری به نتایج این مذاکرات امیدوار بودند. با توجه به شرایط موجود شما سرانجام مذاکرات صلح در افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

قدر مسلم این است که مذاکرات صلح به زودی دوباره رونق نمی‌گیرد. برای مدت زمان طولانی این برنامه و مذاکرات صلح در افغانستان بهم خورده است.

- مذاکرات صلح بین حکومت وحدت ملی افغانستان و طالبان به زودی دوباره رونق نمی‌گیرد و برای مدت زمان طولانی این برنامه و مذاکرات صلح در افغانستان بهم خورده است**
- افغانستان از همه جهانپان دعوت کرده است تا در مقابله با داعش به افغانستان کمک کنند**
- ایران نیز از این دعوت مستثنا نیست.**

پایمدهای بهم خوردن مذاکرات صلح برای افغانستان چه خواهد بود؟

هر کشوری دارای منافع و خطراتی است. این مسائل قابل پیش‌بینی نیست ولی ما مکلف هستیم که از تمامیت ارضی خود و کشور دفاع کنیم. این وظیفه ماست و به آن عمل می‌کنیم.

خطر حضور نیروهای داعش در افغانستان تا چه میزان به‌عنوان یک خطر جدی شناخته می‌شود؟ به نظر شما تهدید نیروهای داعش فعال در افغانستان برای کشورهای منطقه چقدر جدی است؟

داعش پدیده‌ای است که در مسیر جریان‌سازی‌های زنجیره‌ای که علیه اسلام و ملت‌های مسلمان آغاز شده بود، قرار دارد. برخی کشور‌های قدرتمند که یک روز براساس سیاست‌های خود، القاعده و بعد طالبان، النصره و جنگوی را ساختند امروز وحشیانه‌ترین نوع حلقه این زنجیره، داعش را به وجود آورده‌اند. این گروه آثار تمدنی کشور‌های اسلامی را منهدم کردند و بسیاری را به بدترین شیوه کشتند. کشور‌هایی مثل عراق، سوریه، بحرین، لبنان و افغانستان را به ناامنی کشاندند و به جنگ و کشتار در این کشور‌ها دامن زدند. به نظر من این گروه به‌عنوان ابزار تا چند سالی دوام خواهد داشت و من فکر می‌کنم داعش نیز تاریخ مصرف دارد.

ایین یک پدیده صادراتی از کشور‌های ثروتمند و قدرتمند است که دستگاه‌های استخبارتی و امنیتی ضداسلام از آنها حمایت می‌کنند. در حال حاضر ای این گروه به افغانستان هم باز شده است ولی من فکر می‌کنم مردم افغانستان چه حکومت و چه مخالفان حکومت به این حلقه فرصت نمی‌دهند که در افغانستان جای پایی داشته باشند.

آیا حکومت وحدت ملی برای مبارزه با داعش از ایران کمک خواسته است؟

ما از همه جهانپان در مبارزه با تروریسم و تکفیری‌ها دعوت کرده‌ایم. تکفیری‌ها امروز داغ‌ترین حلقه تروریسم در جهان هستند و در حال انتشار در منطقه هستند.

افغانستان از همه جهانپان دعوت کرده است تا در مقابله با این پدیده شوم به افغانستان کمک کنند، چه کمک‌های اقتصادی و چه کمک‌های نظامی و امنیتی، تا ما بتوانیم در کنار هم این بلا را مهار کنیم. همه کشور‌ها باید در مبارزه با این گروه تروریستی تشریک‌مساعی کنند وگرنه این مسئله دامن همه را می‌گیرد.

امروز داعش برای افغانستان خطرناک است و فردا برای کشور‌های آسیای میانه، چین و روسیه خطر‌ساز خواهند بود. ما همه کشور‌ها را برای مبارزه با

جهان

دریچه

مذاکرات طولانی صلح کابل

بروس ریچل، تحلیلگر آمریکایی

ایالات‌متحده آمریکا در مسیر گفت‌وگوهای صلح با طالبان برای پایان‌دادن به جنگ در افغانستان بسیار مصمم است. مذاکرات صلح، راهی طولانی اما بهترین گزینه ممکن است و دلیلی برای تلاش‌نکردن در این زمینه وجود ندارد. نمایندگان ما در این مسیر با چالش‌های متفاوتی روبه‌رو هستند، برای مثال، هنوز مشخص نیست طالبان در این مسیر جدی است یا خیر و آیا حاضر می‌شود در این راه از برخی از منافع و خواسته‌های خود دست بکشد و مسئله مهم‌تر آن است آیا دولت پاکستان که از فعالیت‌ها در مرزهایش عصبانی است، آیا به این باور می‌رسد بهترین راه آن است که آمریکا و نیروهای ناتو برای همیشه از این منطقه خارج شوند. معتقدم این گفت‌وگو‌ها بسیار طولانی خواهند بود اما دلایل زیادی وجود دارد که آمریکا در این مسیر دلسرد نشود. چیزی که طالبان تاکنون گفته، آن است که آماده مذاکره هستند، اما آنان هنوز مشروعیت دولت کابل را نپذیرفته‌اند. حقیقت امر این است که آمریکا همچنان توسط سازمان‌های تروریستی مانند القاعده و گروه‌های شبه‌القاعده در نزدیکی دره‌های پاکستان تهدید می‌شود. آنچه ما اکنون به آن احتیاج داریم، آشتی سیاسی در افغانستان است و مشخص نیست طالبان خواهان این موضوع است یا خیر. تاکنون فقط مشخص شده گفت‌وگو‌ها با طالبان ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی را برای دولت کابل و ائتلاف شمال گروه‌های آشتی سیاسی در افغانستان است و مشخص نیست طالبان خواهان این موضوع است یا خیر. تاکنون فقط مشخص شده گفت‌وگو‌ها با طالبان ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی را برای دولت کابل و ائتلاف شمال گروه‌های سیاسی که از این دولت حمایت می‌کنند، به دنبال داشته است. پس بر این باورم که نماینده ما در افغانستان چالش‌های بی‌شماری را در مقابل خود می‌بیند. پس ما باید انتظار خود را به حداقل برسانیم.

اما ادامه مذاکرات با ارزش‌تر از آن است که به این دلایل متوقف شود. زمانی که «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا، کار خود را آغاز کرد، با میراث وحشتناکی روبه‌رو شد؛ جنگی که آمریکا به‌سرعت در آن شکست می‌خورد. ما پات نشده بودیم اما بازنده این جنگ بودیم. طالبان به تمامی مناطق رسوخ کرده بود و پایگاه‌های امنی در پاکستان داشت و مطمئن بود پیروز است. چند سال از آن می‌گذرد اما هنوز نمی‌توان با قطعیت گفت پیروزی از آن ماست، چراکه طالبان هنوز مانع اصلی در دولت کابل است. در همین حال، ما ارتش افغانستان را به‌گونه‌ای بازسازی کرده‌ایم که بدون کمک نیروهای خارجی در سال ۲۰۱۵ با سال‌های بعد از آن بتواند با طالبان مبارزه کند. درکل می‌توان گفت شرایط الان به‌گونه‌ای است که رئیس‌جمهور می‌تواند بگوید به اهدافش در افغانستان دست یافته است، ما توانستیم یکپارچگی القاعده را ملیت یک مفهوم ترکیبی است و مؤلفه‌هایی دارد. افراد یک ملت باید به یک سرزمین باور مشترک و ارزش‌های مشترک داشته باشند و به آن احترام بگذارند اما افغانستان تا هنوز به آن سطح از کمال نرسیده است. ما کم‌کم در حالت ملت‌سازی هستیم. همه افغان‌ها باید خود را یک هویت و از یک سرزمین واحد بدانند و منافع مشترک و واحد داشته باشند. ما روی این مسئله کار می‌کنیم و این مسئله برای ما مهم است.

افغانستان از نوعی فساد مالی عمیق و گسترده رنج می‌برد. شخص رئیس‌جمهور و نهادهای خارجی و حامیان مالی بارها در این زمینه صحبت کرده‌اند. یکی از برنامه‌های انتخاباتی رهبران حکومت وحدت ملی این بود که با فساد مالی و اداری به‌طور جدی برخورد کنند. به نظر شما حکومت وحدت ملی در مبارزه با این پدیده تا چه حد موفق بوده است؟ در رابطه با مبارزه با فساد مالی اقداماتی در افغانستان شده است که فساد مالی به‌طور زیربنایی از بین برود. به‌عنوان مثال برای رفع‌شدن برخی سووتقاهم‌ها هیچ‌کدام از وزرای پیشین به‌عنوان وزیر به عضویت کابینه درنیامدند. سعی شد افراد تحصیل‌کرده با آرایش فکری و سیاسی نو به میدان سیاست در افغانستان وارد شوند. تلاش شد که در قراردادهای مالی شفافیت‌هایی ایجاد و قانون تدارکات اصلاح شود. این بحث‌ها ادامه دارد و هنوز ما در اول کار هستیم.

باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا، پیش‌تر اعلام کرد نیروهای ایالات‌متحده تا پایان سال ۲۰۱۶ افغانستان را به‌طورکامل ترک می‌کنند. خروج احتمالی همه نیروهای خارجی از افغانستان، چه تأثیرات احتمالی‌ای بر مسائل امنیتی افغانستان خواهد داشت؟ این خطر وجود دارد که با خروج کامل نیروهای نظامی بین‌المللی از افغانستان، کشور ما بیش از گذشته آسیب‌پذیر شود ولی فکر می‌کنم پیش از این، همه جوانب و آثار احتمالی خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان سنجیده خواهد شد و امیدواریم به آن مرحله نرسد.

نگاه

اوباما ومسئله‌ای به‌نام ولادیمیر

«فئودور لوکیانف»، سردبیر «گلوبال‌افرز» در روسیه، می‌گوید اکنون «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، کاملاً ضدآمریکایی شده است؛ البته این نگرش به این دلیل به‌وجود نیامده که او در گذشته در «ک‌ک‌ب» فعالیت می‌کرده است، تجربه‌های او در دوران زمامداری «جورج بوش»، سلف «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا، علت اصلی این رفتار است.

«بازنگری» واژه‌ای که دولت اوباما در اوایل سال ۲۰۰۹ میلادی در برابر برقراری رابطه با روسیه استفاده کرد، خود دلیل بر این مدعی است. اوباما و مشاورانش که «میخائیل مک فول»، سفیر سابق آمریکا در مسکو، نیز یکی از آنان است، همچنان امیدوارند بازنگری به‌گونه‌ای که منافع دو کشور را تأمین کند، در رابطه دوجانبه بین مسکو و واشنگتن اعمال شود.

این در حالی است که این مسئله همچنان در سایه‌ای از ابهام قرار می‌گیرد، مگر اینکه معاهده جدیدی برای کاهش تسلیحات هسته‌ای امضا شود و در توافق جدیدی، کالاهای موردنیاز افغانستان از طریق روسیه و آسیای‌میانه به این کشور ارسال شود. فقط در این صورت است که می‌توان امیدوار بود جمله «دیپمتری مدودف» در زمانی که کرسی ریاست‌جمهوری روسیه را در اختیار داشت، به واقعیت تبدیل شود. او در آن زمان، سه سال آخر صدارتش را به‌عنوان بهترین دوران در رابطه آمریکا و روسیه در کل تاریخ توصیف کرده بود. اما این زمان اکنون کاملاً سپری شده است، هرچند هیچ‌گاه مشخص نشد آیا مسکو به واژه بازنگری در روابط اعتقاد دارد یا خیر.

«آنجلا استنت»، استاد دانشگاه «جورج‌تاون»، در این‌باره می‌گوید: «بازنگری موضوع کاملاً یک‌جانبه‌ای بود که فقط از سوی واشنگتن برای درک موقعیت روسیه در دنیای بین‌الملل به‌کار گرفته شد. اما پوتین در تمام این مدت و حتی اکنون معتقد است این سیاست فضایی برای اجرا ندارد. او در همان زمان و در سخنرانی در مونیخ در سال ۲۰۰۷ میلادی، ادبیات بسیار تهاجمی را علیه کاخ‌سفید به‌کار گرفت». پوتین حتی وزیر خارجه آمریکا را به خاطر اعتراضات در روسیه سرزنش کرد. به گفته کارشناسان، از همان زمان واژه بازنگری فقط واژه‌ی تزئینی در دنیای بین‌الملل بوده است. اکنون نیز اعتقاد به این واژه با توجه به حمایت روسیه از دولت سوریه و سخنان و نزاع‌های این کشور مبنی بر اینکه مسکو در مقابل هر تهدیدی که از سوی سیر موسکی باشد می‌ایستد، بیشتر در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. اما مسئله‌ای که اکنون باعث شده تا این رابطه به روزهای خوب در زمان مدودف بازنگردد، مسئله سوریه است. آمریکا و متحدان اروپایی‌اش از روسیه می‌خواهند از راه‌حل انتقالی در دمشق حمایت کند. «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری این کشور، به‌صورت مسالمت‌آمیز قدرت را به فرد دیگری منتقل کند، اما مسکو تاکنون کوچک‌ترین واکنشی به این درخواست نداده و آشکارا از باقی‌ماندن اسد در قدرت حمایت می‌کند، چراکه پوتین همچنان معتقد است تنها راه‌حل برای بحران سوریه همان بشار اسد است. «رابرت مالی»، مدیرگروه بحران‌های بین‌المللی، در این‌باره می‌گوید مسکو همچنان سخت‌گیرانه به حمایت از اسد ادامه می‌دهد و به‌گونه‌ای عمل می‌کند که کاخ‌کرملین در مرکز این بحران قرار گیرد؛ گویی که اکنون تنها ارزش کرملین به سوریه محدود می‌شود.

روسیه اکنون به‌خوبی می‌داند اگر آنان در مقابل فشارهای غرب کوتاه بیایند، بدون‌شک نقش آنان بسیار کم‌رنگ خواهد بود و کنترل این بحران از دستان کرملین خارج می‌شود. در آن سوی میدان، اوباما به پوتین هشدار می‌دهد مخالف روسیه بیش از این اعتباری ندارد و اگر روسیه به‌زودی در سیاست‌هایش نرمش نشان ندهد، به حاشیه رانده می‌شود. هرچند تحلیلگران معتقدند روسیه قادر است هم در قبال تهران و هم در قبال سوریه، سیاستی متفاوت را در پیش گیرد، اما دیپلمات‌ها در مسکو بر این باورند که آنان نسبت به همتایان آمریکایی خود درک بهتری از مسائل منطقه‌ای دارند. روزنامه انگلیسی «گاردین» در گزارشی می‌نویسد اگرچه اوباما و پوتین، خواهان پایان فوری خشونت‌ها در سوریه هستند، اما اوباما با وجود تلاش فراوان نتوانست پوتین را به‌همراهی بی‌چون‌وچرای مسکو با واشنگتن بر سر پرونده سوریه متقاعد کند.

«اندری کیلیوف»، یکی از اعضای کمیته خارجی در دوما، معتقد است بسیاری از همسایگان روسیه مشکل‌زا هستند اما آمریکا اغلب راه‌حل‌هایی را پیشنهاد می‌دهد که مشکل موجود را به بحران تبدیل می‌کند. در چنین شرایطی و در میان تمامی ناسازگاری‌ها بین مسکو و واشنگتن، کاخ‌سفید فهرستی از اقداماتی را تهیه کرده است که انتظار دارد روس‌ها آنان را عملی کنند اما برای روس‌ها، آمریکا وسیله‌ای ویژه به شمار نمی‌رود، بلکه آنان به این کشور برای حفظ پرستیژ و رابطه‌های جهانی احتیاج دارند. این در حالی است که اوباما نیاز دارد تا روسیه به تحقق اهداف سیاست‌خارجی آمریکا در خاورمیانه کمک یا دست‌کم از مانع‌تراشی در مقابل آنها خودداری کند. پوتین نیز به آمریکا نیاز دارد تا حرف خود را درباره اینکه روسیه به‌عنوان یک ابرقدرت به حق خود نرسیده، به کرسی بنشاند. در این میان، اهمیت اروپا برای مسکو کاملاً خلاف این امر است. هرچند روسیه برای اروپایی‌ها شریک استراتژیکی به شمار نمی‌آید، اما کرملین نمی‌تواند مبادلات تجاری و موقعیت ژئوپلیتیکی خود را نادیده بگیرد. از سوی دیگر، این مسئله باعث تضعیف رابطه آمریکا و روسیه شده است، چراکه هر دو آنان خواهان گسترش روابط با قاره سبز هستند. اما برای شخص اوباما و کاخ‌سفید نادیده‌گرفتن پوتین در مناسبات بین‌المللی بسیار دشوار است و از همین‌رو نمی‌تواند با او در یک قاب ر چارچوب قرار نگیرد.

اما در میان مقام‌های آمریکایی، افراد زیادی وجود دارند که از پوتین و سیاست‌هایش دل‌زده شده‌اند و اکنون فقط منتظر برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا هستند تا سیاست‌های جدیدی را به کاخ‌سفید دیکته کنند.

«استفان استاونیچ»، یکی از اعضای شورای روابط خارجی آمریکا، می‌گوید: «منی‌توان مخالفان پوتین را در کاخ‌سفید نادیده گرفت اما در واشنگتن بسیاری دیگر بر این باورند که پوتین کارتهای زیادی در دست دارد و در میز مذاکره، نقش مهمی را ایفا می‌کند». او ادامه می‌دهد پوتین در قامت ریاست‌جمهوری روسیه باید نقش دیگری را برای خود در نظر گیرد، چراکه حتی اگر اوباما همچنان محتاطانه در برابرش بازی کند، اما دیگر مقام‌های کاخ‌سفید نمی‌توانند به این بازی ادامه دهند و ساکن بعدی کاخ‌سفید، دیگر قادر به ادامه این مسیر نیست.

منبع: اکونومیست